

سی‌ام تیرماه سالروز درگذشت آیت‌الله شیخ حسن صانعی، یکی از نزدیکترین یاران امام خمینی است. آیت‌الله صانعی را می‌توان از وفادارترین یارن اصام خمینی نامید و در مقابل، علاقه و ارادت اصام به این مرد بزرگ را نیز منحصر به فرد دانست. او که در سال ۱۳۱۳ش در شهرستان شهرضا به دنیا آمد و در نوجوانی تحصیلات حوزوی را آغاز کرد، از اوان دهه چهل شمسی ملازم رکاب امام خمینی شد و تا زمان حیات امام نیز آن را ادامه داد، بلکه تا زمان رحلت خود در سال ۱۴۰۲ بر آن عهد باقی ماند. ابراز علاقه امام خمینی به آیت‌الله صانعی نیز منحصر به فرد است و در میان آن، دو نامه فوق‌العاده است که در گرامی‌داشت آن عالم ربانی ولی گمنام ارائه می‌گردد.

بسم‌الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين، و الصلاة على محمد و آله الطاهرين.

انگیزه این جانب در نوشتن این چند سطر، ادای حق اخوت نسبت به شخصی که از جمله سابقه‌دارترین دوستان وفادارم بوده و اکنون نیز می‌باشد. و چون احتمال قریب می‌دهم که پس از درگذشت من کسانی که با من نظر بی‌مهری دارند با بعض دوستان عزیزم بدرفتاری نمایند و

مورد تهمت غیر اسلامی– انسانی قرار گیرند احتمال تکلیف دادم که ادای شهادت بنمایم، و بیشتر کسی که از دوستان من ممکن است مورد هجوم شود برادر و فرزند عزیزم آقای آقا شیخ حسن صانعی– حفظه الله– است که در امور مالی و وجوه شرعیه از دیگران بیشتر دخالت داشته، و شاید از این ناحیه خدای نخواسته به ایشان تهمتی وارد شود.

لِهذا من، بَیْنی و بین‌الله شهادت می‌دهم که از اول زمانی که با من آشنا شده و متصدی امور مالی گردیده‌اند چه قبل از ۱۵ خرداد و تبعید من به خارج، و چه پس از بازگشت از تبعید، و چه اوقاتی که انفرادی متصدی بودند، و چه پس از آنکه به واسطه زیادی کار و بعض مصالح با شرکت جنابان آقای حاج سید هاشم رسولی و آقای رحیمیان– حفظهماالله تعالی– متصدی شده‌اند– با کمال صداقت و امانت و صمیمیت بوده و هستند، و دیناری تجاوز و تعدی به وجوه شرعیه نموده‌اند، و با تمام همت و جدیت و

حسن نیت، این جانب را اعانت نموده، و هر گز چشمداشت مادی نداشته و ندارند. این جانب صرف عمر می‌نمایند، تمام این

صلح در نگاه امام خمینی

امام خمینی در جریان صلح

برشمرده و در سخی دیگر یادآور شد پیامبر اکرم (ص) همان‌گونه که با مؤمنان سرِ صلح و سازش داشت، با دیگر مردم جهان هم به جز مفسدان در صلح و صفا بهسر می‌برد. ایشان تصریح کرده‌است که به پیروی از اسلام، خواهان آرامش میان همه کشورهاست و با جنگ مخالف است اما اگر جنگ بر ملت ایران تحمیل شود با تمام قوا مقابله خواهد شد. به نظر ایشان ملت‌ها و دولت‌های مسلمان افزون بر ترک مناصمه، باید در سایه صلح با همدیگر برادرانه رفتار کنند و صلح الهی، بدون هر گونه تزویر را پیشه کنند.

شرایط صلح

برقراری آشتی و بستن قرارداد صلح با دیگران دارای شرایطی است که در ادامه به برخی از آنها اشاره می‌شود.

رعایت حدود الهی

مشروعیت پیمان، اصلی بنیادین در هر صلح است. به نظر امام خمینی حدیث «جواز صلح میان مسلمانان جز صلحی که موجب حلیت حرام یا حرمت حلال گردد»، عام است و تعهد بر هر حامی را باطل می‌سازد. فقهای اسلام شرط مخالف کتاب و سنت در عقد صلح مانند شرط برگرداندن زنان مسلمان به اردوگاه کفر را باطل می‌دانند. در نگاه امام خمینی همه قراردادها که قیراً قرارداد صلح را نیز دربر می‌گیرد، باید بر قرآن عرضه شود و موافق قرآن را باید پذیرفت و مخالف آن را دور افکند. ایشان بارها تأکید کرده‌است که پیامبران(ع) جنگ و صلحشان برای رضای خدا بوده است و صلح با انسان‌های شرور و مفسدی که در صدد شکست اسلام هستند، برخلاف قرآن و اسلام و عقل و نظام انسانی است.

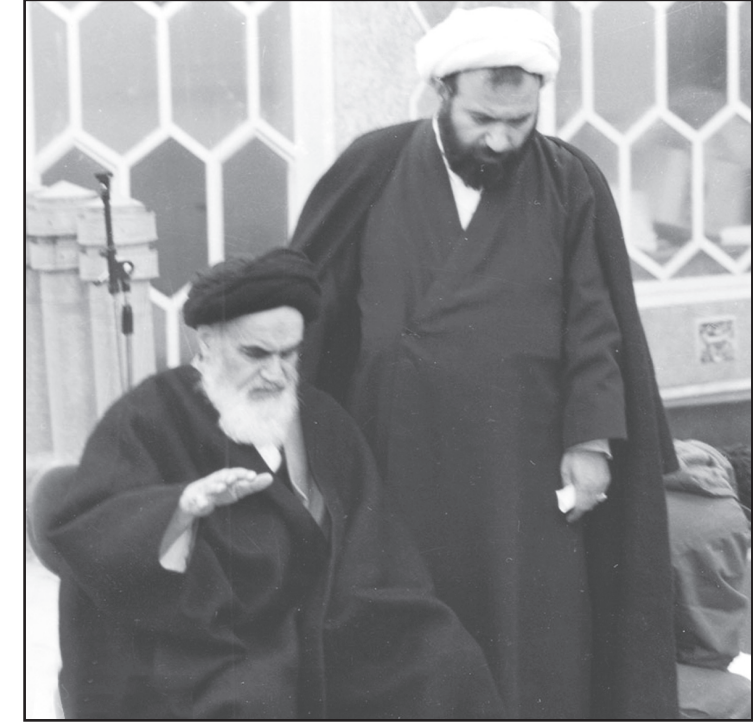
رعایت مصلحت
صلح با دشمن، مشروط به داشتن منفعت و مصلحت است. این شرط مقتضای حکمت و عقل است و از مناسبت حکم و موضوع نیز استفاده می‌شود؛ زیرا آیات و روایات نقل شده درباره جواز صلح، صلح بدون دلیل و مصلحت را دربر نمی‌گیرند. به گفته محقق کرکی، امر به جهاد مقدم به عدم هلاکت است و در صورت ضعف مسلمانان جایز است که صلح را بپذیرند. همچنین مصالح و منافع دیگری چون تبلیغ مثبت به سود نظام اسلامی یا هراس از دشمن دیگر و بازداشت وی از توطئه علیه نظام اسلامی، می‌تواند از مصالح مورد نظر امام مسلمانان باشد. پذیرش قطعنامه ۵۹۸ مورد اثت‌رس از رژیم عراق ازسوی امام خمینی به‌رغم تأکید همیشگی ایشان بر ادامه جنگ تا حصول شرایط ایران نشان‌دهنده لزوم پایبندی به این عنصر کلیدی در پذیرش و عدم پذیرش صلح است.

حفظ عزت و شرافت
مفسران دعوت قرآن به صلح در آیه «و تَدْعُوا إِلَى السَّلْمِ» را به صلح شرافتمندانه و به دور از ذلت و خواری و زبونی و اختلافات تفسیر کرده‌اند. امام خمینی در آغاز مبارزه با رژیم پهلوی، در نامه‌ای به واعظ مشهور محمدتقی فلسفی، با اشاره به نفی ذلت در سخن امام حسین(ع) «هیهات منا الذله»، سازش با رژیم پهلوی

را ذلت مسلمانان شمرد. ایشان از مقاومت عزتمندانه ملت ایران و ترجیح آن بر صلح و آسایش ذلت‌بار در برابر دشمن بعثی و تحمل سختی‌ها در دوران دفاع مقدس ستایش می‌کرد و تأکید داشت ایران در هیچ شرافتمندانه است. بنابراین باید متجاوز معلوم، و امنیت ایران تأمین شود. ایشان تأکید داشت که اسلام، سازشی را که به حیثیت اسلام آسیب وارد کند، نمی‌پذیرد.

پایدار بودن
امام خمینی صلحی را مشروع و پسندیده می‌داند که پایدار باشد و دشمن از تعدی و تجاوز خودداری کند، زیرا صلحی که دشمن نخواهد فرصت به دست بیابد و از سر ناچاری بپذیرد، صلحی ناپایدار است. بنابراین هر زمان که قدرت پیدا کند، آن را نقض می‌کند و عقل چنین سازشی را نمی‌پذیرد. ایشان بارها به افراد و

امام خمینی همه انبیای الهی(ع) به‌ویژه پیامبر اسلام(ص) را طرفدار صلح و آرامش جهانی معرفی می‌کند. ایشان در تیر ۱۳۵۸ در پیامی به لوئید برتلف رئیس کنفدراسیون جهانی شوروی، می‌نویسد که صلح و ملت ایران را برقراری صلح و آرامش در جهان



و اکنون نیز که با آقایان مذکور به اعانت این جانب صرف عمر می‌نمایند، تمام این

کشور عزیز ما ایران در سال‌های اخیر به ویژه با دو جنگ ویران‌گر اخیر در ابعاد سیاسی، اجتماعی و اقتصادی شرایط بسیار ویژه‌ای را تجربه می‌کند که به وقت خود باید مورد مطالعه و درمان قرار گیرد اما یکی از ابعاد حیرت انگیز آن تحکیم قدرت بی‌مانند گروه اندکی است ک نام «انقلابی» را بر خود نهاده و آشکارا حاکم کردن شرایط حاد سیاسی بر معنا است. تجربه نشان داده است که این گروه به مثل بسیاری از مقولات سیاسی و اجتماعی که آنها را وارونه می‌بیند، در این زمینه هم برداشت درستی نداشته، دقیقاً جایگاه «انقلابیگری» را با «تندروی»، «بی‌انطباقی» و پابیند بودن به موازین اخلاقی و قانونی و بد عاقبت ساختن کشور اشتباه گرفته است. اما تصاف بارتر آن که گاه این برداشت خود را به دین و شخص امام خمینی که یک رهبر الهی که مظهر اخلاق و قانون‌مداری در نظام اسلامی بوده، نسبت می‌دهد، شیوه‌ای که تحت هیچ عنوانی، در دین جایگاهی

ویران‌گر اخیر در ابعاد سیاسی، اجتماعی و اقتصادی شرایط بسیار ویژه‌ای را تجربه می‌کند که به وقت خود باید مورد مطالعه و درمان قرار گیرد اما یکی از ابعاد حیرت انگیز آن تحکیم قدرت بی‌مانند گروه اندکی است ک نام «انقلابی» را بر خود نهاده و آشکارا حاکم کردن شرایط حاد سیاسی بر معنا است. تجربه نشان داده است که این گروه به مثل بسیاری از مقولات سیاسی و اجتماعی که آنها را وارونه می‌بیند، در این زمینه هم برداشت درستی نداشته، دقیقاً جایگاه «انقلابیگری» را با «تندروی»، «بی‌انطباقی» و پابیند بودن به موازین اخلاقی و قانونی و بد عاقبت ساختن کشور اشتباه گرفته است. اما تصاف بارتر آن که گاه این برداشت خود را به دین و شخص امام خمینی که یک رهبر الهی که مظهر اخلاق و قانون‌مداری در نظام اسلامی بوده، نسبت می‌دهد، شیوه‌ای که تحت هیچ عنوانی، در دین جایگاهی

***امام خمینی: آقا! من خواهش می‌کنم از شما که آن تندی جوانی‌تان را یک قدری کنار بگذارید**

در نه در قاموس اندیشه و عمل امام خمینی هیچ جایگاهی برای آن یافته نمی‌شود. امام خمینی هیچ گاه انقلابیگری را به تندروی و بدفرجامی امور اشتباه نگرفته است و سیره آن مرد بزرگ نیز از آغاز نهضت اسلامی تا پایان آن در نظام جمهوری اسلامی مؤید آن است. کسانی که با سیره سیاسی آن بزرگ مرد آشنایی دارند می‌دانند که امام خمینی در عین حال که خود یک انقلابی تمام عیار بوده و در عرصه عمل نیز یکی از گسترده‌ترین انقلاب‌های تاریخ را رقم زده است، هرگز تحت عنوان انقلابیگری از موازین شرعی، اخلاقی و رفتار اعتدالی خارج نشده و همگان را به همین صراط مستقیم نیز دعوت می‌کرد که تندروی نباشد. امام خمینی حتی قبل از انقلاب اسلامی که مشغول مبارزه با یک حکومت جائر بوده، حاضر نمی‌شد خارج از چهارچوب دینی عمل کرده، به تندروی بپردازد و در مبارزه با دشمنان خود از جاده انصاف خارج شود. در همان زمان، هنگامی که آیت‌الله سعیدی در نامه‌ای به ایشان اطلاع می‌دهد که در برخی محافل حوزوی میتهم به تندروی شده است، تصریح می‌کند: «آنچه به من نسبت داده‌اند که قدری تندروی شده است، همان‌طور که حدس زده‌اید دروغ است. من دعوت می‌کردم که تندروی نباشد. از خادوند تعالی امید عفو دارم در قصور و تقصیر و از درگاه مقدس توفیق خدمت به اسلام و مسلمین خواستارم» (صحیفه امام، ج۲، ص۶۶).

تندروی در اوان انقلاب
هدف اصلی جنگ با کفار و با مسلمانان شورشی به این که تندروی جزو جدانشدنی از یک «انقلاب» است اما امام خمینی بلافاصله پس از پیروزی انقلاب اسلامی، زمانی که عدمی انقلابی گری را با تندروی اشتباه گرفته و در برخورد با و مسلین خواستارم» (صحیفه امام، ج۲، ص۶۶).

***امام خمینی خطاب به پاسداران: در بین شما، جوانهای تندی هم هستند که باید آنها را تعدیل کنید تا کارهایی را که بر خلاف مشی کلی سپاه است، انجام ندهند**

عوامل رژیم پهلوی موازین قانونی را زیرپا گذاشته اند، در پیامی تاریخی مرقوم می‌دارد: «به تمام اعضای کمیته‌ها و زندانبان‌ها حکم می‌کنم که با زندانبان– هر که باشد– به طور انسانیت و اسلامیت رفتار کنند و از آزار و مضیقه و رفتار خشن و گفتار ناهنجار خودداری کنند که در اسلام و حکومت عدل اسلامی این امور ممنوع و محکوم است و به بستگان زندانبان در روز مینی با مقررات، اجازه ملاقات دهند. درآوردن آزار و توهین می‌کنم، کسی حق ندارد به منزل مردم حمله کند و وارد منزل آنان شود و اگر اطلاع پیدا شد که مجرمی در منزلی است مراقبت از فرار او کنند و به مقامات مسئول اطلاع دهند که با موازین او را دستگیر نمایند. علاقه‌مندان به نهضت باید از این گونه اعمال اجتناب کنند. مردم باید روی موازین شرعیه عمل نمایند» (همان، ج۶، ص۲۶۴).

در شرایط آشوب زده انقلاب، برخی انقلابیون به خاطر کینه‌ای که از عناصری از ارتش داشتند، خواستار انحلال ارتش بودند. امام خمینی که با درایت همیشگی خود مخالف این انحلال بوده است خطاب به این افراد که بعضاً دلسوزان نظام اسلامی نیز بوده‌اند می‌فرماید: «این تدریج می‌خواهد. عرض

آقایان امین و صالح و خدمتگزار به اسلام می‌باشند.

خداوند تعالی اینان و همه خدمتگزاران به اسلام را از شرّ بدخواهان و منحرفان حفظ فرماید، و توفیق اطاعت از خداوند تبارک و تعالی و خدمت به بندگان او مرحمت فرماید.

و السلام علی عبادالله الصالحین. دوشنبه ۱۵ آذر ۱۳۶۱/ ۲۰ صفر ۱۴۰۳ (صحیفه امام، ج۷، ص۱۳۲).

بسم‌الله الرحمن الرحيم
جناب حجت‌الاسلام آقای حاج شیخ حسن صانعی– دامت برکاته نمی‌دانم از کجای آشنایی‌ام با تو بنویسم. تو یکی از قدیمیترین افرادی هستی که در کنار من بوده‌ای. هنوز سبزه‌های بر رخسار نداشتی که صمیمی‌ات یافتم. سالها قبل از شروع مبارزات پانزدهم خرداد، تو سرباز گمنام این انقلابی، و خودت می‌دانی که هیچ چیز بهتر از گمنامی نیست. تو فردی هستی که از گذشته‌های دور خاطرات تلخ و شیرین مبارزات را با خود دارد. زیرکی

و این تندی جوانی‌تان را یک قدری کنار بگذارید

می‌کنم تدریج می‌خواهد آقا. این نمی‌شود الاّ ما یگوید ارتشی که نظام دیده و نظم دیده کنار برود، ارتشی بی‌نظام می‌خواهم! نمی‌شود این، باید بتدریج بشود. باید [پیروی مردمی] درست نظام پیدا بکند، بعد تبدیل بشود آن ارتش به این ارتش. اما همین طوری نمی‌شود این کار را کرد. آقا من خواهش می‌کنم از شماها که آن تندی جوانی‌تان را یک قدری کنار بگذارید... من خودم هم جوان بودم! یک توقعاتی جوانها دارند که این توقعات از باب آن انرژی که در آنها هست، از باب آن قدرتی که در آنها هست، می‌خواهند همه مسائل یک شبه حل بشود. این طور نیست مسائل» (صحیفه امام، ج۶، ص۱۵۶).

با همین منطق، زمانی که در اوان پیروزی انقلاب برخی جاهلان انقلابی‌گری را با تندروی مساوی دانسته و تصور می‌کردند همگان را باید به اجبار انقلابی نگه دارند و به ساخت آیت‌الله محلاتی، یکی از علمای برجسته شیراز تعرض می‌نمایند، امام خمینی طی یک پیام پرکنته به ایشان، این عده را تندروانی ضد انقلاب، فاسد و مفسد معرفی می‌کند که در صدد فتنه انگیزی هستند: «حضرت آیت‌الله محلاتی– دامت برکاته– شیراز: در این موقع که بحمدالله تعالی نهضت اسلامی در آستانه پیروزی است، بعضی عناصر مفسد در صدد فتنه‌انگیزی و ایجاد آشوب برآمده‌اند. اینسان ضد انقلابیونی هستند که با اسم انقلاب می‌خواهند مانع از تمریخی نهضت بشوند. امید است حضرت عالی نیزنگ بدخواهان را با تدبیر و طابعیت خاطر فرماید، و از اعمال ضد انقلابی گروهی فاسد رنجیده خنثی نشود. از خداوند تعالی سعادت و سلامت حضرت عالی را خواستارم» (همان، ج۷، ص۴).

زشتی تندروی در میان حافظان امنیت
در شرایط انقلابی یا جنگی، تندروی و حتی هرج و مرج تا حدودی طبیعی می‌نماید، ممکن است عدای که مورد ظلم واقع شده‌اند، با غلبه احساس بر آنان از تعادل خارج شده و با زیرپا گذاشتن قانون، به تندروی بپردازند، اما از نظر امام خمینی این رفتار از کسانی که خود مجری قانون و عوامل نظم بخشی اجتماع می‌باشند پذیرفته شده نمی‌باشد. به همین خاطر با حساسیت ویژه‌ای پاسداران و حافظان امنیت جامعه را مورد خطاب قرار داده، تأکید می‌کند: «من امیدوارم که شما پاسداران هستید، پاسدار خودتان هم باشید. شما امروز با سمت پاسداری در جمهوری اسلامی یک تعهد دارید، شما امروز از یک مسئولیت بزرگ، اما شرافت برای اینکه خدمتگزار به اسلام، و خدمتگزار به دین اسلام شریف است. و اما مسئولیت برای اینکه شمایی که برای اسلام هستید و سرباز اسلام هستید با باید همه چیزتان را اسلامی کنید. خدایت نخواست، چنانچه یک سربازهای اسلام به مردم یک تعدّی بشود، یک چیزی واقع بشود، یک مکروهی واقع بشود، این پای اسلام حساب می‌شود. در رژیم طاغوتی هر کاری که سازمانها می‌کردند و دیگران و قوای انقلابی، پای طاغوت حساب می‌شد. امروز آن رژیم بد یک رژیم اسلامی است، شما هم پاسدار رژیم اسلامی هستید. اگر خدای نخواسته از بعضی جوانهای شما یک تعدی، یک چیز مکروهی واقع بشود که مردم مثلاً خوششان نیاید، حالا چه نمی‌گویند رژیم است، می‌گویند در رژیم اسلام هم این مسائل هست. و نمی‌گویند آن آدم این کار را می‌کند، می‌گویند پاسدارها این کار را می‌کنند. اگر یک پاسدار قدمش را یک بگذارد، می‌گویند پاسدارها این جوری هستند. چنانچه یک روحانی پایش را کج بگذارد، می‌گویند روحانیا این طور هستند. این مسئولیت بزرگی است که برای ما هست و برای شما. برای ما هست برای اینکه ما خودمان را منتسب به اسلام می‌کنیم، و ما مثل شما پاسدار اسلام هستیم آن‌شالله. و برای شما هست برای اینکه شما هم الاّ پاسدار اسلام هستید. خیلی مواظب باشید که صحیح رفتار کنید با مردم برادر باشید» (همان، ج۹، ص۲۲۱) امام با صراحت افزون‌تری به پاسداران می‌فرماید: «هن به شما نصیحت می‌کنم که حیثیت و وجهات خود را در میان مردم حفظ کنید. البته در بین شما، جوانهای تندی هم هستند که باید آنها را تعدیل کنید تا کارهایی را که بر خلاف مشی کلی سپاه است، انجام ندهند» (همان، ج۵، ص۳۲۲).

همین نگاه مشفقانه امام خمینی، نسبت به مأموران اطلاعاتی و امنیتی با حساسیت ویژه‌تری نیز وجود دارد، نهادهی که زمینه تندروی و خارج شدن از حدود الهی در آن بیش از جاهای دیگر فراهم است، لذا امام با خیرخواهی آنان را از تندروی برحذر می‌دارد تا مبادا بی‌چاره‌ای بی‌جهت گرفتار شود و می‌فرماید: «باید افراد اطلاعات مستقل، منزه و متقی باشند. من امیدوارم که شما همین‌طور باشید و دست‌نشانان را موعظه کنید که مبادا تندروی کنند. مبادا به خاطر تنداندیشی، یک بیچاره‌ای بی‌جهت گرفتار شود. در مورد زندانبانی که اسامی آنها به آقای

شیهری داده می‌شود، زودتر اقدام کنید که بپیچود کسی در زندان نماند. ولی دقت در امور برای شما لازم است، چرا که با امثال منافقین و گروه‌های دیگر سر و کار دارید، باید دقت کنید» (صحیفه امام، ج۱۹، ص۱۸۰).

بد عاقبتی تندروی

دوشنبه ۲۹ تیر ۱۴۰۵ – شماره ۱۳۴۰۶ – سال چهل و هشتم

و کم حرف، دانایی و محتاط. در گرداب مبارزات همیشه دلسوخته بوده‌ای. کینه‌ات را نسبت به شاه در کمتر کسی دیده بودم. در بحراناه و فشارها هیچ گاه نسبت به من تردید نداشتی، گرچه گاهی خسته می‌شدی و افسرده.

در کوران فشار دستگاه شاه، تو که مسئول اداره شهریه طلاب بودی، وقتی در محاصره دشمن قرار می‌گرفتی برای اینکه هیچ گونه اطلاعی به دشمن ندهی کم نبود مواقعی که قبوض رسید پولهای اخیر را– در پانزده سال مبارزه– چون غذایی گوارا می‌خوردی. پاداشت عبدالله نیز گوارایت باد. استعدادت، لطافت روحت، صداقت چیزی نیست که فراموشم شود. تندخویی و عاقل. از خدا می‌خواهم عقلت را به تندخویی‌ات پیروز کند. من کاملاً به تو اطمینان دارم. لذا وکیل من می‌باشی در تمامی زمینه‌های شرعی. این چند سطر را نوشتم تا کمی از بسیار حقی که به گردن من و انقلاب داری را ادا کرده باشم. خداوند یار و نگهدارت باد. مرا از دعای خیر فراموش مکن. و السلام علیکم و رحمةالله و برکاته.

۶۷/۱۲/۲ – روح‌الله الموسوی الخمینی (صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۲۷۲).

تندروی عاقبت خوبی ندارد!

حساسیت امام خمینی در این زمینه نسبت به روحانیون و طلاب علوم دینی، بیش از همه بوده و با صراحت بیشتری در این عرصه پیدا کرده است. زمانی که در سال ۶۸ برخی طلاب جوان با نابخشگی به علمی پیش کسوت حوزه خرده گرفته و آنان را متهم به غیر انقلابی بودن می‌کردند، امام خمینی در یکی از آخرین مکتوبات خود با ارسال نامه‌ای به آیت‌الله العظمی مرقوم می‌دارند: «شما از قول من به فرزندان انقلاب بفرماید که تندروی عاقبت خوبی ندارد» (همان، ج ۲۱، ص۳۶۸). امام چند روز بعد، مجدداً خطاب به حوزویان می‌نویسد: «بار دیگر به فرزندان خوب و انقلابی سفارش می‌کنم که شورای مدیریت حوزه علمیه قم مورد تأیید این جانب می‌باشند. سعی کنند تندروی نکنند که تندروی باعث شکست خودشان می‌گردد. باید طلاب جوان استایدت محترم حوزه را که در خدمت انقلاب و اسلام و علوم اسلامی می‌باشند یاری کنند تا آنان بتوانند به هدفهای مهم تعلیم و تربیت برسند. شورای مدیریت و استاید و مبارز، بیش‌تازان انقلاب اصل اسلامی‌مان می‌باشند. چهره گلگون و روشن فیضیه‌های ایران در جهان اسلام موهون زندانها

***امام خمینی: از قول من به فرزندان انقلابی بفرماید که تندروی عاقبت خوبی ندارد**

و شکنجه‌های این عزیزان است» (همان، ج ۲۱، ص۳۸۱). در دیدگاه امام خمینی، این گونه نیست که تندروی تنها از خطاب جوان زشت باشد و دیگران از آن مستثنی باشند، بلکه تندروی، فکر نکردن به عاقبت و خروج از موازین از هر کسی باشد، درست نیست. در این زمینه نامه تاریخی امام خمینی به شورای نگهبان در باره تندروی یکی از اعضای آن درس آموز است: «حضرات فقهای محترم شورای نگهبان– دامت افاضاتهم؛ با سلام و آرزوی موفقیت برای شما و تمامی آثانی که قلبشان برای پیروزی اسلام می‌تپد. گاهی دیده می‌شود که بعضی از آقایان محترم در مسائلی وارد می‌شوند که موجب بزرگ شوری نگهبان است. فقهای محترم باید توجه داشته باشند که نباید در مسائلی که مورد درگیری هست وارد شوند. از باب مثال در شأن شورای نگهبان و حتی خود حضرت آقای خزعلی نیست که به افراد مختلف تعدی کند. اینکه دیگر روشن است که روی منبر و یا هر سبک حرام است به مسلمانی نسبت کمونیستی داد. بر فرض که ایشان بگویند من نسبت ندادم ولی این را که معتزفد که گفته‌اند: می‌گویند، آقای سلامتی کمونیست است. این او توهین و گناه بزرگ از شخصی که عضو شورای نگهبان است آن هم به مسلمانی که نماینده مردم تهران است، شرعاً چه صورتی دارد؟ دامادی که شما اینگونه عمل می‌کنید باز هم توقع دارید جوانان انقلابی تحت احترام شما را بگیرند. آیا شخصی که می‌آید نزد فقهای شورای نگهبان و می‌گوید: ای کسی که هم درامد توبه می‌کنم، را در درستی را رفته است یا کسی که روی منبر این توبه را به عنوان ضعف یک نماینده نقل می‌کند؟ بحث بر سر خوبی و بدی نمایندگان و سایر افراد نیست، بحث بر سر راه گناه و کج رفتن است. همه باید توجه کنیم که آلت دست بازیگران سیاسی نشویم. باید سعی شود آقایان به عنوان منبری پرخاشگویی که تا این مرحله حاضر است پیش رود معرفی نشوند. شما بگویید، آنها به ما بد می‌گویند و ما با این صحبتها جواب آنها را می‌دهیم. آنها که به شما بد می‌گویند، پس مقدس شورای نگهبان آن را دارند. شما در مکانی نشستاید که باید خیلی از مسائل را با سکوت و وزارت خویش حل کنید. خواستار آن جمع کنید که نکند یکمرتبه متوجه شوید که انجمن حجتیه‌ها همه چیزتان را نابود کرده‌اند. می‌گویند که شما آقایان علاقه‌مندم ولی لازم می‌آید گاهی که مسئله‌ای را می‌بینم تذکر دهم» (صحیفه امام، ج ۲۱، ص۶۱۳).

از این رو به امام خمینی آن رهبر فرزانه که تلاش می‌کرد تمام رفتار خود را با موازین دینی و خواست الهی تنظیم نماید، «تندروی» و مختل کردن امور کشور و گرو گرفتن یک ملت، نمی‌چسبد و هر فرد و جریانی که در این مسیر قرار دارد، فرستگ‌ها با راه و سیره ایشان فاصله دارد.